

استاد مارینا

با فراسو و مارینا عربیت فراتر تر از تصوّرته

پیش به سوی قله عربی



آنچه که گذشت

1 آشنایی با سبک تست های کنکور عربی

2 آشنایی به روش استاد مارینا

3 تدریس قواعد **شش گروه مشتق**

4 تدریس قواعد و ترجمه **معرفه - نکره**



حسبه فهُوَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُ مَنْ

هرکس بر خدا توکل کند پس خداوند برای او کافی می باشد

تست مفهوم

1 (و من یتوکل علی الله فهو حسبہ) عین الصحیح فی الفہوم :

1) مطیع امر توام گر دلم بخواهد سوخت / اسیر حکم توام گر تتم بخواهی

2) آن که ببند او مسبب را عیان / کی نهد دل بر سبب های جهان

3) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست / که هر چه بر سر ما میرود

4) ز تو هر چه نتوانی ایزد نخواست / تو آن کن که فرموده از راه راست



تست مفرد – جمع – متضاد – مترادف

عين الخطأ في مفرد الكلمات التي تحتها خط :

2

(1) السَّمَكُ الطائرُ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ وَيَمْدُ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحِينَ لِلْفَرَارِ مِنْ أَعْدَانِهِ (زَعْنَفَةٌ – عَدُوٌّ)

(2) لِلتَّمْسَاحِ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ فَبَعْدَ تَنَاوُلِ طَعَامِهِ يَقْرُبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ لَتَنْظِيفِهَا (سِنَّ – الطَّيْرُ)

(3) تَضَعُ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي رِمَالٍ تَحْرِقُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ (رَمَلٌ – قَدَمٌ)

(4) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يَقْدُرُونَ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَايِينِ (الْعَالَمُ – الْمِيلْيُونُ)



تست مفرد – جمع – متضاد – مترادف

3 عین ما لیس فیہ من المتضاد :

- 1) کل یوم یحتوی علی لیل و نهار
- 2) الشمس و القمر کرتان من الکرات السماویة
- 3) القیام و القعود من أعمال الصلاة
- 4) إنالله یرج المومنین من الظلمات إلى النور



نکته ترجمه شماره 4

ماضی استمراری = می

کان + فعل مضارع

=

فرمول 1

می رفت



کان یذهب

می رود

ظلم می کردند



کانوا یظلمون

ظلم می کنند



نکته ترجمه شماره 5

ماضی استمراری

فعل مضارع

+

اسم نکره

+

فعل ماضی

فرمول 2

ماضی استمراری

+

که

+

اسم نکره

+

فعل
ماضی

ترجمه



نکته ترجمه شماره 5

رایثُ طفلاً يلعب في الزقاق

ماضی نکره مضارع

← دیدم کودک ی که بازی میکرد در کوچه
ماضی استمراری

قراثُ کتاباً يساعدنی فی العربية

ماضی نکره مضارع

← خواندم کتاب ی که کمک میکرد مرا در عربی
ماضی استمراری



نکته ترجمه شماره 6

ماضی استمراری

ماضی استمراری

لیت + فعل ماضی

فرمول 3

ای کاش دانش آموز از تنبلی دوری می کرد

لیت التلمیذ ابتعد عن الكسل
ماضی



كنت أعرف منطقة مخضرة و غنية بالجمال في أقصى نقطة الشمال الشرقي من مدينتنا
أقضى فيها بعض فيها بعض الايام مع الاسرة :

- 1) نقطة ای سبز و زیبا در دورترین مکان شمال شرقی شهر می شناختم که سرشار از زیبایی بود و با خانواده چند روز تمام آن جا بودم !
- 2) جای زیبا و سبز و با طراوتی را بلد بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و یک روز تمام را با خانواده در آنجا سپری کردم !
- 3) منطقه ای سر سبز و سرشار از زیبایی در دورترین نقطه شمال شرقی شهرمان می شناختم که بعضی روزها را با خانواده در آنجا می گذراندم
- 4) منطقه ی سرسبزی و غنی و پر از زیبایی وجود داشت که در نقطه ای دور دست از شمال شرقی شهرمان بود و چند روز را با خانواده ی خود در آن گذراندم !



عين الخطأ :

5

(1) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَعْرِفُ قَدْرَ الْعَافِيَةِ بَعْدَ الْمَرَضِ : گاهی انسان ارزش تندرستی را پس از بیماری بفهمند .

(2) لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ : هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست !

(3) كَانَ لِبَاسُ الْعَافِيَةِ أَجْمَلُ : گویی لباس تندرستی زیباتر است !

(4) لَيْتَ الْجَمِيعَ عَرَفُوا قَدْرَ الْعَافِيَةِ : ای کاش همه ارزش تندرستی را بشناسند .



تذکر 1

فعل **کان** می تواند روی **چند**

فعل در جمله

تاثیر بگذارد .



كَانَ يَزِدُّ قَلْقَى كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَمَا تَمُضِي الْأَيَّامُ وَ أَنَا مَا كُنْتُ أَعْمَلُ عَمَلًا مُفِيدًا :

- (1) هر روز که می گذشت اضطراب من بیشتر می شد ، چون من کار مفیدی انجام نداده بودم
- (2) وقتی روزها می گذشت در حالی که هیچ کار مفیدی انجام نمی دادم ، اضطرابم هر روز بیشتر می شد !
- (3) هر روز نگرانیم افزایش می یافت ، در حالی که هیچ کاری مفید انجام نداده بودم و روزها گذشته بود !
- (4) هنگامی که روزها می گذشت ، هر روز به نگرانی هایم افزوده می شد در حالی که کاری مفید انجام نمی دادم !



نکته ترجمه شماره 7

ماضی بعید = بود

فرمول 1 = کان + قد + فعل ماضی

دلخواه

رفته بود



کان قد ذهب

رفته بودند



کانوا ذهبوا



نکته ترجمه شماره 8

ماضی بعید

فعل ماضی + اسم نکره + فعل ماضی

فرمول 2

ماضی ساده یا ماضی بعید

+

که

+

فعل ماضی + اسم نکره

ترجمه



نکته ترجمه شماره 8

رَحَّبَ والدی بضیوفِ دخلوا بیتنا

ماضی

نکره

ماضی

خوش آمد گفت پدرم به میهمانان ی که (داخل شدند – داخل شده بودند)

به خانه مان



كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفله نجاحنا بعد امتحانات نهائيه السنه :

(1) پس از امتحانات آخر سال ، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود

(2) بعد از قبولی در امتحانات پایان سال ، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولی ام دعوت کرد .

(3) مدرسه ما بعد از امتحانات پایان سال ، برای جشن موفقیت ما بعضی از دوستان را دعوت کرده بود

(4) مدرسه به خاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد



نکته ترجمه شماره 9

داشت

=

كان + لِ

كان لِرجلٍ بستانٌ قد غرس فيه اشجاراً كثيرة

مردی باغی داشت کاشته بود در آن درختانی بسیار



نکته ترجمه شماره 10

كان الجوُّ باردٌ = هوا سرد بود

كان (به تنها) = بود

ماضی ساده

كان الله غفوراً رحيماً

خداوند بخشنده مهربان است

است

مضارع

كان (به تنها)
(در مورد خداوند)



عين الخطا :

(1) كان لعظماء كلّ عصر ثلاث ميّزات : بزرگان هر عصری سه خصوصیت داشتند

(2) يتحمّلون الكدح و المصاعب في حياتهم : رنج و مشكلات را در زندگی خود تحمل می کردند

(3) و هم دؤوبون في أعمالهم للوصول إلى أهدافهم : و برای رسیدن به اهدافشان در کارهای خود پایدار بودند

(4) و يترتّب نجاحهم على التحلّي بالأخلاق الفاضلة : و موفقیتشان آراسته به اخلاق فاضله بوده است .



عين الخطا :

(1) شاهدتُ ذا حاجة يطلب مني المساعدة : نیازمند را دیدم که از من طلب کمک کرده بود

(2) عليك أن تُصادق الأبرار دائماً لا الأشرار : بر تو است که دائماً با نیکان دوستی کنی نه با بدان

(3) في بداية الامر لم يُشاهد تقدماً في دروسه : در ابتدای کار ، دانش آموز پیشرفتی در درس هایش ندید

(4) الكتب المفيدة تُبعدنا عن الضلالة و الجهالة : کتاب های سودمند ما را از گمراهی و جهل دور می

سازند



قاعده سوم

!میخوای تو زندگی آرامش داشته باشی؟ -
این اصل رو **تمرین کن تا بره تو وجودت** +

تو قرار نیست برای اون چیزهایی که ازت **از نظر زمانی دور** هستن فکر کنی
و باخودت کلنجار بری
و خودتو اذیت کنی

فقط باید به اونهایی که الان جلوی پات هستن فکر کنی و روشن **تمرکز** کنی
و به **بهترین نحو** اجراشون کنی

اینجوری همه چیز؛
" **در زمان خودش درست انجام میشه** "

جملات ناب

:توی کتاب "ملت عشق" شمس تبریزی قاعده‌ی بیستم رو اینطور می‌گه
.اندیشیدن به پایان راه کاری بیهوده است
.وظیفه تو فقط اندیشیدن به نخستین گامی است که برمیداری
....ادامه‌اش خود به خود می آید

